تفسیر دو فقره «والا حسب أبلغ من الأدب، والا نسب أوضع من الغضب» در کلام مجلسی

من میخواستم در این جلسه این حدیث را تمام کنیم. چون ایشان تیمناً، این حدیث را آوردهاند، ولی اگر بخواهیم فقره به فقره را بحث کنیم، چند سال میشود. لذا باید زودتر بخوانیم. اگر خواستید کل عبارات را ببینید، مرحوم مجلسی، در مرآة العقول، خطبة الوسیلة را شرح کردهاند. این عباراتی را که در اینجا داریم را، توضیح دادهاند. در مرآة العقول، جلد بیست و پنجم، صفحه چهل و یک. چون عبارات فرق دارد، باید بگردید و پیدا کنید. جلسه قبل در فقره «لا حسب ابلغ من الادب و لا نصب اوضع من الغضب» بحث شد. در توحید، «نسب» با «سین» بود. ظاهراً در کافی با صاد است، به نظرم در امالی ای فقیه هم با صاد است. مرحوم مجلسی میفرمایند:

> **«قوله علیه‌السلام : « والا نصب » بالصاد في أكثر النسخ أي التعب الذي يتفرع على الغضب من أخس المتاعب ، إذ لا ثمرة له والا داعي إليه إلا عدم تملك النفس ، وفي بعض النسخ بالسين أي نسب صاحب الغضب الذي يغضب على الناس بشرافته نسبا، أوضع الأنساب في الكلام تقدير والظاهر أنه تصحيف»[1].**

«قوله علیه‌السلام : «والا نصب» بالصاد في أكثر النسخ»؛ یعنی نسخ کافی.

«أي التعب الذي يتفرع على الغضب من أخس المتاعب» آن سختی و ناراحتیای که بر غضب متفرع میشود، از بدترین و پستترین سختیها است. کسی که غضب کرد، بعد از غضبش و آثارش، به سختترین چیزها میافتد. پس «نصب» یعنی سختی. **«و في بعض النسخ بالسين»**؛ خب، نسب چه ربطی به غضب دارد؟؛ میفرمایند: «أي نسب صاحب الغضب الذي يغضب على الناس بشرافته نسبا»؛ یعنی آن شخص، پدرانی دارد که به‌خاطر پدرانش زود ناراحت میشود و داد میزند. نسبی که او را به غضب بیاندازد. **«في الكلام تقدير و الظاهر أنّه تصحيف»؛** مرحوم مجلسی میفرمایند «نسب» تصحیف است. نظر ایشان این است.

در «حسب» هم نکته خیلی قشنگی دارند و میفرمایند: **«و لا حسب ابلغ من الادب».** ایشان معنای لغوی را نفرمودهاند. من عرض کردم در کتب لغت فرمودهاند که «نسب»، فقط رابطه توالد از آباء بود؛ مثلاً میگویند او جزء طایفه تَیم است. اما «حسب» صرف انتساب نبود. بلکه شرافت

است؛ مشتمل بودن آن‌ها بر مدائح و کمالات بود. «حسب» یعنی کسانی دارد که ممدوح هستند. همه از آن‌ها به نیکی یاد می‌کنند.

شاگرد: «حسب» هم باز برای آباء است؟

استاد: بله. شاید در خودش هم باشد. فلانی حسب دارد یعنی خودش هم مدائح دارد. البته الآن دقائق کتب اهل لغت یادم نیست. مرحوم مجلسی دوم، در مرآة، نکته قشنگی می‌فرمایند. این را سریع می‌خوانم. فرمودند:

> **«قوله علیه‌السلام: «ولا حسب أبلغ» أي أكمل من الأدب بحسب الشرف الذي يكون من جهة الانتساب بالآباء ، والآداب الحسنة تشرف الإنسان بالانتساب بالآباء العقلانية التي توسطوا في الحياة المعنوية بالإيمان والعلوم والكمالات»[2].**

«ولا حسب أبلغ من الادب»؛ خب، ادب چه ربطی به حسب و آبای ممدوح دارد؟! **«أي أكمل من الأدب بحسب الشرف الذي يكون من جهة الانتساب بالآباء»**؛ می‌گویند حسب گاهی کامل است و مدائح است. اما از جهت انتساب به آباء فیزیکی و قبیله‌ای است. ولی کسی که ادب دارد، معلوم می‌شود فرزند پدران صاحب کمال است. نه پدران مادی تو الدی. صاحب ادب، نسب بالایی دارد. مثلاً کسی که فلسفه را خوب فهمیده است، می‌گویند تو فرزند ارسطو و افلاطون هستی. فرزند او هستی نه یعنی نسَبت به او می‌رسد.

«من الأدب بحسب الشرف الذي يكون من جهة الانتساب بالآباء والآداب الحسنة تشرف الإنسان بالانتساب بالآباء العقلانية»؛ اینکه ادب دارد، می‌گویند تو فرزند عقلاء هستی. فرزند کسانی هستی که این ادب را برای تو به ارث گذاشته‌اند. «التي توسطوا في الحياة المعنوية بالإيمان والعلوم والكمالات»؛ نکته خیلی قشنگی است. حضرت علیه السلام، «حسب» را از حسب آباء، به ابوت معنوی، زده‌اند. مثل حدیث شریف «انا و علی أبوا هذه الامة»[3].

---

[1]. علامه مجلسی، مرآة العقول، ج ۲۵، ص ۴۱.

[2]. همان، ۴۰.

[3]. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۸۵.

بازبینی #3
ایجاد شده 9 نوامبر 2024 14:38:55 توسط ... .
به روزرسانی شده 28 نوامبر 2024 10:57:30 توسط ... .